

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندیشه سیاسی در جهان عرب

از «پاییز خلافت» تا «بهار عربی»

تألیف:

فرهنگ رجایی

مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران - ۱۳۹۹

فهرست نویسی

سرشناسه: رجایی، فرهنگ.
عنوان و نام پدیدآور: اندیشه سیاسی در جهان عرب از «پاییز خلافت» تا «بهار عربی» / تألیف: فرهنگ رجایی؛ [به سفارش] مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ [وزارت امور خارجه].
مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۶۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۱-۹۷۵-۶.
بها: ۸۶۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه
یادداشت: نمایه
موضوع: علوم سیاسی - کشورهای عربی
موضوع: بهار عربی، ۲۰۱۰ م.
موضوع: تجدد - کشورهای عربی
موضوع: جهانی شدن - کشورهای عربی
شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه. مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه. اداره چاپ و انتشارات.
رده بندی کنگره: JA ۸۴
رده بندی دیویی: ۳۲۰/۹۱۷۴۹۲۷
شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۰۷۷۰۳

اندیشه سیاسی در جهان عرب از «پاییز خلافت» تا «بهار عربی»

تألیف: فرهنگ رجایی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۹

هماهنگی امور نشر: بیتا طهرانیان

ویراستار ادبی: عصمت دریکوند

صفحه‌آرایی: سحر حسینی صنعتی

طراح جلد: شهرزاد طهرانی

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۸۳۲۵۶۵، ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی

تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، ساختمان ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۳۱۵، ۰۲۱-۶۶۹۵۲۲۹۰، فاکس: ۰۲۱-۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۳۰۴۳۷۱

فهرست مطالب

- دربارۀ نویسنده ۳
- پیشگفتار - سابقۀ بحث و سیاس ۵
- بخش اول - جهان عرب و تجدد ۱۳**
- گفتار اول: مواجهه با تجدد و جریان‌های فکری ۱۵
- جهان عرب، تجدد و پیشتازی مصر ۱۷
- چهار جریان فکری الگوگذار ۳۱
- بخش دوم - چرخش بزرگ؛ جهان‌گیری غرب و گروگان‌ی جهان عرب ۵۳**
- گفتار دوم: عصر امپریالیسم؛ دولت‌های برساخته در جهان عرب ۵۵
- جهان تجددگرا و نگرش «همه بامن یا برمن» ۵۹
- جهان تجددگرایی زده و نگرش «نه‌این نه‌آنی» ۷۰
- گفتار سوم: دبستان‌های اندیشه‌ورزی ۷۷
- نو شدن و تجددگرایی از بالا ۷۷
- عرب‌گرایی و اتحاد اعراب (پان‌عربیسم) ۸۱
- اسلام‌گرایی ۹۴
- گفت‌وگو با تجدد برای تمدن‌سازی ۹۸
- بخش سوم - جهان شکسته: دولت تجددگرا و جامعۀ تجددساز ۱۰۷**
- گفتار چهارم: جنگ شش روزه (۱۹۶۷) و «گروگان‌ی دولایه» ۱۰۹
- شگفتانۀ جنگ ۱۹۶۷ ۱۱۰
- تحولات در دولت‌های عربی ۱۲۳

- گفتار پنجم: دبستان‌های اندیشه‌ورزی ۱۳۷
- نوشتن از بالا و تجددسازی از پایین ۱۳۷
- عرب‌گرایی ابزاری با شعار «پان‌عربیسم» ۱۶۴
- اسلام‌گرایی ۱۶۹
- گفت‌وگو با تجدد برای تمدن‌سازی ۱۸۶

بخش چهارم - جهانی‌شدن و تجدها ۱۹۵

- گفتار ششم: عصر مجازها و فراها (تجدد، دولت، واقعیت) ۱۹۷
- انقلاب اطلاعاتی، «پایان تاریخ» و «بهار عربی» ۱۹۸
- سرنوشت چهار جریان اندیشه ۲۱۰
- نوشتن و آمریت نو-سرهنگان ۲۱۰
- پایان عرب‌گرایی ۲۱۴
- ابهام اسلام‌گرایی ۲۱۷
- گفت‌وگو با تجدد برای تمدن‌سازی ۲۳۴
- گفتار هفتم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۲۴۱

نمایه ۲۴۹

درباره نویسنده

فرهنگ رجایی (۱۳۳۱ -) دانشور علوم سیاسی با حوزه تخصصی اندیشه سیاسی و روابط بین‌الملل، نویسنده و مترجم است که به مدت سی و پنج سال در دانشگاه‌های ایران و جهان تدریس و پژوهش کرده است. آخرین مقام آموزشی وی استادی تمام (پرفسور) در دانشگاه کارلتون و آخرین مقام اجرایی وی به مدت ده سال ریاست «دانشکده امرانسای» در همان دانشگاه در کشور کانادا بوده است. وی در دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، دانشگاه تهران، دانشگاه امام صادق^(ع)، تربیت مدرس، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید بهشتی در ایران و دانشگاه‌های ویرجینیا و ایالتی شانی اوهایو در آمریکا، هامبولت در آلمان و آکسفورد در انگلستان تدریس و تحقیق کرده است. اهل کتاب با آثار تألیفی، ترجمه، مقالات و مصاحبه‌های وی آشنا هستند. اولین اثر ترجمه‌ای وی، فهم نظریه‌های سیاسی (آگاه، ۱۳۶۵، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۸)، اثر مهمی درباره روش اندیشیدن در امر سیاسی است. اولین کتاب تألیفی او به زبان فارسی، تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان (قومس، ۱۳۷۰، چاپ پنجم، ۱۳۹۵) است که قانون عقل جهان‌داری و فراز و فرود آن را در حوزه‌های تمدنی چین، هند، ایران و بین‌النهرین باستان به بحث می‌گذارد. کتاب تألیفی دیگر وی با عنوان مشکله هویت ایرانیان امروز (نشر نی ۱۳۸۳، چاپ دهم، ۱۳۹۷)، عناصر شکل دهنده باغ هویت ایرانی را که وی «سنت، ایران، دین (اسلام) و تجدد» خوانده است، به تحلیل گذاشته است.

کتاب‌های متعددی به زبان انگلیسی دارد که از آن‌ها یکی جهانی شدن را تحلیل و ارزیابی کرده و دیگری بر اندیشه کنت دابلیو تامپسن، فیلسوف روابط بین‌الملل متمرکز است. هر دو کتاب به زبان فارسی ترجمه و نشر شده‌اند: اندیشه تامپسن (ترجمه حمیرا مشیرزاده و سیداحمد فاطمی نژاد، انتشارات دمان، زیر چاپ) و پدیده جهانی شدن؛ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی (ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۹۷).

از تازه‌ترین آثار وی یکی کتاب *زندگی فضیلت‌مند در عصر سکولار* (آگاه، چاپ سوم، ۱۳۹۵) و دیگری *بازیگری در باغ هویت ایرانی؛ سرنمونی حافظ* (نشر نی، ۱۳۹۶)؛ و *اندیشه و اندیشه‌ورزی* (نشر فرهنگ جاوید، ۱۳۹۸) است. در اثر اول، در کنار ترجمه و تحشیه سه مقاله از مهم‌ترین نوشته‌های چارلز تیلور، فیلسوف معاصر، خود نیز گفتارهایی درباره موضوع کتاب تألیف کرده است. رجایی در اثر دوم که به شکلی می‌تواند جلد دوم از کتاب *مُشکله هویت ایرانیان/امروز* شمرده شود، ضمن بسط بیشتر و روزآمدتر از مقوله هویت ایرانی، نظریه‌ای بدیع و دوجنبه‌ای از اندیشه حافظ، از یک سو به عنوان یک نظریه پرداز و از سوی دیگر به عنوان سرنمونی از مصداق هویت پیچیده ایرانی، ارائه داده است. در اثر آخر، رجایی نظریه جامع خود را در خصوص جهان‌داری یا توسعه پایدار عرضه می‌کند.

دغدغه اصلی رجایی در تدریس و تحقیق، وضع بشر و به ویژه چگونگی انسانی عمل کردن است. از آنجاکه او به وجهی مسئولیت را مستقیماً متوجه فرد و خود شخص می‌داند. موضوع را چگونگی «انسان‌ورزی» می‌خواند و بر آن است که مقوله‌ای است که به ورای زمان و مکان و فرهنگ و آموزه و اندیشه می‌رود؛ و چون تأثیرگذارترین متغیر در انسان‌ورزی را خود-تعریفی یا هویت و سه بُعد تشکیل‌دهنده آن، یعنی فهم و تعریف انسان از رابطه با خویش، از رابطه با «دیگری» و از رابطه با کل زیست-جهان می‌داند، تقریباً تمام آثارش به مقوله هویت و جنبه‌های فکری، دنیایی و مادی حیات آدمی، به ویژه عبرت گرفتن از تمدن‌ها؛ شامل تمدن تجدد، مربوط می‌شوند.

پیشگفتار - سابقه بحث و سپاس

اندیشه سیاسی در جهان عرب چه وضعی دارد؟^۱ اگر خطر کرده و بنخواهیم وضعیت کنونی اندیشه سیاسی و اجتماعی در جهان عرب را در یک جمله خلاصه کنیم، می‌توان گفت در دو سه دهه گذشته، عرصه عمل و عرصه فکر بسیار از هم جدا افتاده‌اند. در این نوشتار، اهتمام‌هایی که در جهان عرب شده است تا یک جریان فکری قابل مشاهده عرضه شود به بحث گذاشته خواهد شد. کوشش‌هایی که ادعا شده است به کمک آن‌ها می‌توان چارچوبی برای فهم مبادله یا از بین بردن فاصله بین اندیشه و عمل به دست داد. با این کار شاید بتوان پیش‌بینی کرد که اندیشه‌ورزی در مورد قانون عقل جهان‌داری در جهان عرب تولید شده است یا خیر و آیا جهان عرب خواهد توانست مجدداً در جرگه جوامع مولد قرار گیرد؟

به گمان من، دلایل تلاطم‌های شدید و نوسان‌های متعدد در هر دو حوزه فکر و عمل، دقیقاً برآمده از این فاصله زیاد بین اندیشه و عمل بوده است. پژوهش حاضر، این هدف کلی را دنبال می‌کند که از این وضعیت یک صورت‌برداری تحلیلی ارائه دهد. از یک‌سو، پس از برخورد اولیه جهان اسلام و به تبع آن جهان عرب با جهان جدید، الگوی فکری کهن که برای قرون و اعصار کارآمدی و انسجام محیطی خاص خود را داشت به سستی گروید و از آنجاکه انسان متفکر، خود را با حوادث مستحده و چالش‌های محیط وفق می‌دهد، کوشش‌های متعددی در جهت صورت‌بندی الگوهای فکری جدید با محوریت توجه به غرب صورت گرفت و طرح‌هایی نیز ارائه شد. از سوی دیگر، شکست اعراب در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ با رژیم صهیونیستی نشان داد که الگوهای شکل‌بندی‌شده تا آن زمان

۱. این کتاب برآمده اما کاملاً متحول‌شده اثری است که قبلاً با کتاب‌شناسی زیر نشر شده است: فرهنگ رجایی. *اندیشه سیاسی عرب در جهان معاصر: از قرارداد پاساروویتز تا قرارداد غزه-اریحا*. تهران: مؤسسه پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۱. طرح کلی و مقدماتی آن اثر نیز ابتدا با مشخصات زیر منتشر شده بود: فرهنگ رجایی، «درآمدی بر اندیشه سیاسی معاصر عرب»، *فصلنامه خاورمیانه*، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۳، صص ۲۷۹-۳۰۶. در اینجا سپاس خود را به همکار گرامی جناب استاد محمود سریع‌القلم اعلام می‌کنم که مشوق اولیه این کار بود.

کارآمدی لازم را به نمایش نگذاشتند و باید مجدداً بازبینی شوند. چرخشی که به سوی محوریت بومی‌گرایی به ویژه دینی صورت گرفت و بسیاری را به شوق آورد نیز عملاً رویایی بود که به کاپوس‌های القاعده و داعش تبدیل شد و همین شد که برخی ناظران به «شکست اسلام‌گرایی»^۱ تأکید کردند و گفتند که آن جریان نیز نتوانست راه‌های ابتکاری و کارساز ارائه دهد. به موازات جریانی که در اوایل دهه دوم سده و در آغاز هزاره جدید و برآمدن جهانی شدن یا جهان‌گستری، تکان همه‌جانبه‌ای به جهان عرب داد که به «بهار عربی» شهرت یافته است و به نظر کوششی برای جمع کردن دو محور «غربی‌گرایی و بومی‌گرایی» می‌رسید، اما آن نیز هنوز نشانه‌هایی مبنی بر ارائه افق گسترده در اختیار نگذاشته است.

آنچه تا به امروز نحله‌های فکری جاری در ذهن و زبان اهل قلم و حتی مردم و ملت‌های عرب خوانده شده است، صورت‌شکل گرفته و صیقل‌خورده از پاسخ‌هایی بود که جهان عرب به چالش‌های تجدد و تحولات مربوط به آن ارائه کرده است. نوشتار حاضر می‌کوشد با همان پرسش‌هایی هدایت شود که تکان‌دهنده و شکل‌دهنده چارچوب این پاسخ‌ها بوده است، ضمن اینکه بحث خواهد شد که چه‌بسا مشکل همانا گیرکردن در چنبره چالش-پاسخ باشد. انسان و جامعه بازیگر در مواجهه با حوادث مستحدثه و مشکلات نه واکنش می‌کند و نه پاسخ می‌دهد، بلکه با وفق دادن خویش با آن‌ها بر کنش و بازیگری خویش متمرکز باقی می‌ماند. جهان عرب به‌جای اندیشه و عمل‌کنشی و ابتکارآمیز، فقط در حد واکنش یا پاسخ به مقولات روزمره بازمانده است. زندگانی، پویایی، درحال توسعه‌گی که به صورت جهان‌داری، مدنیت یا توسعه پایدار خود را نشان می‌دهد به راه مناسب به ورای واکنش و پاسخ بودن و به بیان مولانا روزنه‌ها و افق‌های تازه ایجاد کردن است:

روزن جانم گشادست از صفا
می‌رسد بی‌واسطه نامه خدا
نامه و باران و نور از روزنم
می‌فتد در خانه‌ام از معدنم
دوزخ است آن خانه کان بی‌روزنست

^۱. Olivire Roy, *The Failure of Political Islam*, New York: I. B. Tauris, new printing, 2007.

اصل دین ای بنده روزن کردنت

تیشه هر بیشه‌ای کم زن، بیا

تیشه زن در کندن روزن، هلا

(مثنوی، دفتر سوم: ۲۴۰۲ - ۲۴۰۵).

اما درعین حال، صورت برداری از واکنش‌ها و پاسخ‌ها برای کنش آتی در صورتی که جرئت و همت دست بدهد ضروری و واجب است. از این رو، پژوهش حاضر با این مفروض حرکت کرده است که چه پرسش‌هایی وجدان جمعی اعراب را به خود مشغول کرده و به تکان آورده بوده است؟ در کوشش برای یافتن پاسخ به این پرسش‌ها، ذهن پرسشگر عرب از کدام «مقام گردآوری» یا «آبشخور ذهنی» الهام گرفته است؟ از آنجاکه پاسخ‌های متعددی به چالش‌ها در جهان عرب داده شده، هریک از این پاسخ‌ها براساس کدام آسیب‌شناسی از بحران‌های موجود ارائه شده‌اند؟ چگونه شد که نحله‌های ارائه شده در مقابل فشارهای همه‌جانبه پاسخی کارآمد ندادند و دچار چنان شکستی شدند که پیامد آن هنوز ادامه دارد؟ تحولات بیرونی، از جمله کشف نفت که از یک سو به ورود و حضور قدرت‌های جهانی جدید در منطقه منجر شد و از سوی دیگر، چهره اقتصادی و اجتماعی منطقه را تغییر داد، چه تأثیری بر جریان‌های فکری داشته است؟ ایجاد یک واحد سیاسی غیربومی، درعین حال، مسلح به مفاهیم و ابزارهای تجدد توسط صهیونیست‌ها، چه تأثیری بر جهان اندیشه مردم منطقه گذاشته است؟ چالش قدرت‌های غیرمنطقه‌ای جدید، برخلاف چالش‌های گذشته؛ همچون حمله مغول، صرفاً نظامی و سیاسی نبود و آن‌طور که فرانسویان در دوره جهان‌گیری ناپلئون اعلام کردند، با «رسالت تمدن‌سازی» به منطقه خاورمیانه وارد شدند، نه فقط عرصه مادی که جهان ذهنی مردمان منطقه را به مبارزه طلبیدند و عملاً ثابت کردند که رقیبی سرسخت و همه‌شمول و درعین حال جذاب در مقایسه با چارچوب بومی ارائه می‌کنند. عملکرد این رقیب تازه را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ آیا باید این برخورد جدید را کناکنش فرهنگی نامید یا به زبان رایج امروزه، «تهاجم فرهنگی» قلمداد کرد؟ اگر پاسخ اول صحیح باشد چه جایگاهی در تحولات منطقه دارد و اگر پاسخ دوم را قبول کنیم، در آن صورت آیا نحله‌های فکری ارائه شده توان مقابله با آن

را دارند؟ این پرسش‌ها و بسیاری سؤالات دیگر شکل‌گیری و ارائه نتایج پژوهش حاضر را هدایت کرده‌اند. برخی مستقیماً ذهن نگارنده را به تکان آورده است و برخی غیرمستقیم؛ اما مسلم این است که همه آن‌ها در روند تحقیق و در راستای تألیف و ویراست این اثر دخیل بوده‌اند.

در پاسخ‌یابی برای سؤالات ذکرشده، مجدداً تأکید می‌کنم صرفاً بر اندیشه‌ها -هرقدر خواندنی، جالب، علمی و متقن- تمرکز نکرده‌ام، بلکه به اندیشه‌هایی توجه کرده‌ام که جریان فکری و تأثیرگذاری را باعث شده‌اند؛ هدف شناسایی و تحلیل جریان‌های فکری است. ممکن است سریعاً گفته شود که این روش نوعی روایت‌سازی از یک جریان پیچیده است، به‌ویژه که جهان عرب یکپارچه نیست و از بیش از بیست کشور مستقل که عملاً به‌دنبال منافع خاص ملی خود می‌روند، تشکیل شده است. این گوناگونی سیاسی، چه‌بسا بر عرصه‌های عمومی دیگر از جمله، اقتصاد، اجتماع و اندیشه نیز تأثیر بگذارد؛ بنابراین، شاید ادعا شود که دسته‌بندی جریان‌های فکری، به‌صورتی که در نوشتار حاضر آمده است، از منطق درونی تحولات فکری به‌دور است و پیچیدگی و ویژگی‌های جهان ذهنی برخی از متفکران را، آن‌طور که هست، شامل نمی‌شود.^۱ در تبیین و توجیه روش استفاده‌شده در نوشتار حاضر باید گفت که جهان عرب، حتی اگر از واحدهای سیاسی متفاوتی تشکیل شده باشد، هنوز در یک حوزه فرهنگی مشترک زیست می‌کند. حوزه تمدنی برآمده از اسلام -عربت هنوز شکل‌دهنده و تعیین‌کننده وجدان و گاه عمل اعراب امروز است، بنابراین، اگر جریان‌های غالب -که به زبان فلسفه علم، «الگوی فکری»، یا «مقام گردآوری» یا به زبان ماکس وبر «نمونه آرمانی» به‌جا می‌گذارند- شناسایی شود، بهتر می‌توان رفتارهای سیاسی و اجتماعی را پیش‌بینی

^۱ . خوشبختانه اندیشه سیاسی معاصر عرب با روش‌های متعدد مورد مطالعه قرار گرفته است: برخی تاحدی مانند پژوهش حاضر از روش جریان‌شناسی استفاده کرده‌اند و کوشیده‌اند نحله‌های فکری را تحلیل کنند؛ برخی از روش مقوله‌شناسی استفاده کرده، مقولات مهم جامعه و امر سیاسی را مدنظر داشته و نظرات متفکران را ارائه داده‌اند؛ و بالأخره برخی به متفکرشناسی همت گماشته‌اند. برای نمونه‌ای از روش اول؛ نگاه کنید به: مجید خلدوری، *گرایش‌های سیاسی در جهان عرب*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹؛ حمید عنایت، *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۱؛ برای نمونه‌ای از روش دوم نگاه کنید به کتاب مهم و ماندگار زیر: حمید عنایت، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰؛ و برای نمونه کلاسیک از روش سوم، نگاه کنید به: آلبرت حبیب حورانی. *اندیشه عرب در عصر لیبرالیسم (۱۱۳۹-۱۱۹۱)*. ترجمه علی شمس، تهران: انتشارات نامک، ۱۳۹۳.

کرد. کاملاً با آگاهی حرکت کرده‌ام که به دور از «منطق برساخته» و با نزدیک شدن هرچه بیشتر به «منطق درونی» جریان‌های فکری آن‌ها را شناسایی و تحلیل کنم.^۱

یافته‌های پژوهش حاضر را براساس دوره‌های تاریخی که تکان‌دهنده و دگرگون‌ساز بوده‌اند در چهار بخش سامان داده‌ام. مختصراً هر یک را معرفی می‌کنم؛ اما قبل از آن، یادآوری کلی‌ای را لازم می‌دانم؛ موج دوم از دگرگونی‌های دوران‌ساز در تاریخ بشر، یعنی چرخش از موج کشاورزی به موج صنعتی و برآمدن صنعت (مجموعه تحولاتی که ابتدا در نساجی، بعد در استفاده از نیروی بخار و صنعت فلزات و بالأخره در ساخت ابزارآلات مکانیکی ظهور کرد) در دهه دوم سده هجدهم با یک دگرگونی در اندیشه همراه شد که به بیان فیلسوف برجسته کانادایی، چارلز تیلور (۱۹۳۱ -) به «بسترزدایی عظیم» انسان از سنت انجامید.^۲ انسان دوران تجدد خود را خودبنیاد، آزاد، مختار و صاحب حق تصور می‌کند: خود اوست که چارچوبی برای اندیشه، بیان و عمل انتخاب می‌کند؛ تحولی که فعل مسلط در همه زمینه‌ها «ساختن» شد و به انسان این امید و بشارت را داد که قادر است با اختیار خود همه‌چیز را بسازد و زندگی را سامان تازه بدهد. این تحول همه‌جانبه تجدد نام گرفت و درست است که از غرب آغاز شد اما به تدریج به یک جریان فکری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی هنجاری/اخلاقی همه‌شمول تبدیل شده است که بشریت را به تمامی، در پنج قاره تحت تأثیر قرار داده و هنوز می‌دهد.

بخش اول کتاب حاضر با مروری بر تحولات سده نوزدهم، به کناکش جهان عرب با این تحول عظیم تمرکز می‌کند که نوعی طرح مسئله هم هست. این بخش با عنوان «جهان عرب و تجدد» رویارویی جهان عرب با تجدد را به بحث گذاشته و نشان می‌دهد که چگونه مصر پیشگام شد و از آن پس به الگویی برای بقیه جهان عرب تبدیل شد. از این رو،

۱. تمایز بین مفهوم «منطق درونی» و «منطق برساخته» را از اثر مهم و ماندگار آبراهام کاپلن (۱۹۱۸-۱۹۹۳) گرفتم با عنوان *سلوک تحقیق: روش در علوم رفتاری* (۱۹۶۴). دومی وقتی اتفاق می‌افتد که شخص با فرض‌ها و پیش‌داوری‌های خود دیگری یا موضوع را موردمشاهده قرار دهد و اولی توضیح کوششی است که پژوهشگر منطق درونی و منطق در عملی را که در درون شخص یا مقوله موردبحث انگیزه و حرکت ایجاد می‌کند، کشف و عرضه کند:

Abraham Kaplan. *The Conduct of Inquiry; Methodology for Behavioral Science*. San Francisco: Chandler Publishing Co. 1964

۲. چارلز تیلور. *تصورهای اجتماعی جدید*. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۹.

تحولات مصر بیشتر مورد بحث این کتاب خواهد بود. در نیمه دوم گفتار این بخش واکنش‌های کلان فکری را که به جریان‌های بعدی الگوگذار مبدل شد، تصویرسازی و ترسیم خواهد شد.

بخش دوم، با عنوان «چرخش بزرگ؛ جهان‌گیری غرب و گروگانی جهان عرب» که کمی بیش از نیمه اول سده بیستم میلادی را می‌پوشاند، به دورانی توجه می‌کند که به گمان نگارنده هم جهان غرب و هم جهان عرب اعتماد به نفس درونی خود را از دست دادند؛ اما در حالی که شکل بیرونی آن در اولی تفرعن، استعمار و جهان‌خواری بود، در دومی به صورت زبون‌اندیشی، استثمار و گروگانی ذهنی تحقق بیرونی پیدا کرد. «مثل غرب شدن» یا حتی جهان ذهنی و زندگی مادی خود را با چارچوب ذهنی غربی دیدن و تحلیل کردن به قاعده و مذهب مختار تبدیل شد.

بخش سوم که کمی کمتر از نیمه دوم سده را شامل می‌شود، با عنوان «جهان شکسته؛ دولت تجددگرا و جامعه تجددساز» به بیداری جهان استعمار شده و به ویژه در دهه ۱۹۶۰ متمرکز شده و به جریان‌هایی می‌پردازد که با نیت خوش به جای اندیشه و اندیشه‌ورزی، به بیان مولانا «احول‌بینی، گزنگری و عقل کاژ» را به نمایش گذاشتند.

بخش چهارم با عنوان «جهانی‌شدن و تجدها» دهه آخر سده بیستم و دهه اول سده بیست و یکم یعنی به عصری توجه دارد که در اثر تحولات «موج سوم»^۱ یا انقلاب اطلاعاتی جریان هیجان‌انگیزی شکل گرفت که به بهار عربی ختم شد و ضمناً کتاب نیز با همین تحولات که در سال ۲۰۱۰ بروز کرد به پایان می‌رسد. البته گفتار کوتاه آخر به عنوان جمع‌بندی مشاهداتی کلی ارائه خواهد کرد.

یک یادآوری روشی را هم لازم می‌دانم. نگارنده به گفت‌وگو یا کارکرد ارکستروار بین جهان‌های اندیشه و عمل یا جریان فکری و تحولات مادی تاریخ معتقد است که برکش آن‌ها را بر هم نه فقط لازم بلکه ضروری است. البته یکی را عامل دیگری نمی‌داند؛ برای نمونه، مانند انگاره‌گرایان قبول ندارد که اندیشه زیربنا یا مانند ماده‌گرایان تحولات مادی را زیربنا نمی‌داند، بلکه هم تأثیری و هم روی آن‌ها را که باعث توانمندسازی دوجانبه می‌شود را لازم می‌داند برای

۱. الوین تافلر. موج سوم. ترجمه شهین دخت خوارزمی. تهران: انتشارات فرهنگ نشر نو، چاپ بیست ششم، ۱۳۹۸.

انسان و جامعه اندیشه‌ورز و کنشگر تحولات مادی، مواد خام پرسش‌برانگیز و الهام‌دهنده هستند؛ آن‌ها با ابتکار و جرئت عمل به ورای حوادث و عوامل موجود می‌روند. زبون‌اندیشان یا ناندیشه‌ورزان در مقابله با پیچیدگی‌های زندگی یا واکنش می‌کنند یا حداکثر به آن‌ها پاسخ می‌دهند و در هر دو حالت به بیان مولانا و در درازمدت «روشنی و گرمی» ایجاد نمی‌کنند:

کار مردان روشنی و گرمی است کار دونان حيله و بی‌شرمی است
(مثنوی، دفتر اول: ۳۲۰).

به دلیل این باور است که در کتاب حاضر به جنبه‌های تاریخی و تحولات اجتماعی توجه کرده‌ام تا نشان دهم در کجا اندیشه‌ورزان به ورای آن رفته و کجا صرفاً به آن واکنش یا پاسخ داده‌اند. توجه شود که ناندیشه‌ورزی یک خصیصه دائمی نیست، اما شخص یا جامعه به دلایلی موقتاً به احول‌بینی و عقل‌کاژ دچار شده است. در جهان عرب به بیان یک مشاهده‌گر منصف و تیزبین تا زمان تاریخ مواجهه با جهان جدید، «ذهن بدوی از رهیافت بسیار پیچیده‌ای برای محیط کاملاً طاقت‌فرسای خود برخوردار بود»^۱ و توانسته بود به ورای مسائل و مشکلات روز برود. جهان عرب به‌ویژه در آغاز سده بیستم میلادی در برخورد با تحول تجدد، دچار گسستگی درونی شد و هنوز هم همان‌طور که در کتاب نشان خواهم داد، به پاسخ و توازن مناسبی نرسیده است. به‌عبارت‌دیگر، واکنشی بودن با تحولات تجدد چند سده قبل هنوز عنصر اصلی زندگی معاصر عربی را تشکیل می‌دهد.

در آخر مایل‌م چند مطلب متفرقه اما مربوط را یادآور شوم. مطلب اول به‌علت تألیف این اثر بازمی‌گردد؛ همان‌طور که در ابتدا در زیرنویسی اشاره شد، کتاب حاضر نتیجه کوشش برای بازبینی کتابی است که قبلاً نوشتم و در واقع ایجاد آن مدیون تقاضا، تشویق و بالاتر از آن زحمت بازنویسی متن آن کتاب در برنامه «کلمه» توسط جناب آقای دکتر قدیر نصری است که تواضع، منانت و بزرگواری‌اش انتها ندارد. همیشه این محبت‌اش را به‌یاد خواهم داشت. نکته دوم اینکه، کتاب حاضر عملاً اثر دیگری از آب درآمد، اما درعین حال، از مسئولان «موسسه پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه» سپاسگزارم که با چاپ کتاب به‌صورت متحول‌شده

^۱. William R. Polk, *The Arab World*, Cambridge: Harvard University Press, new printing, 1980, p. 288.

موافقت کردند. نکته سوم اینکه، اثر یک دانشور بدون یاری و همراهی مستقیم و غیرمستقیم اساتید، دانشجویان، همکاران و دوستان در نهادهای آموزشی، کتابخانه‌ها، نشست‌های عمومی و دوستان زحمت‌کش انتشاراتی نمی‌تواند به دست خواننده برسد. از همه سپاسگزارم و دستانشان را از راه دور می‌فشارم. نکته چهارم اینکه همکاران جهان ادب و فرهنگ در انتشارات که در پشت جبهه، کاری اساسی برای بهتر کردن، روان‌تر شدن و ارائه آراسته متن انجام می‌دهند عزیز و محترم‌اند و صاحب این قلم قدر همه را می‌داند، اجرشان مأجور باد.

مطالب ویراستاری هم باید ذکر شود. اول اینکه فقط آثاری را که در متن به آن‌ها ارجاع داده‌ام جزء زیرنویس‌ها آورده‌ام و فهرست کتاب‌شناسی مجزا را لازم ندانستم؛ نکته دوم ویراستارانه اینکه هر جا بیت یا ابیاتی از شاعری گفت‌آورد کرده‌ام، از نام وی و نوع شعر وی مانند غزل یا قصیده و امثال آن و سپس شماره بیت را یاد کرده‌ام و نیازی هم به کتاب‌شناسی دیوان آن‌ها ندانسته‌ام؛ نکته سوم ویراستارانه اینکه هر جا در این اثر، تاریخی گفت‌آورد شده است برای یک‌دست بودن همه را به تقویم رایج میلادی آورده‌ام؛ نکته چهارم ویراستارانه اینکه از آوردن معادل فرنگی برای مفاهیم و حتی اسامی خودداری کرده‌ام؛ زیرا از یک‌سو حضور آن‌ها را مزاحم مطالعه روان و بی‌سکته می‌دانم. از سوی دیگر، زبان فارسی را برای القای منظور خود استوار و کارآمد می‌دانم و افزودن معادل‌های بیگانه را نوعی فضل‌فروشی بی‌مورد تلقی می‌کنم. اگر ضرورت ایجاب کرده است در دو کمانه واژه خارجی را به الفبای فارسی آوانویسی کرده‌ام؛ نکته پنجم اینکه در سراسر متن اگر مطلبی افزوده شده است در میان دو کرشه آمده است. افزوده‌های دیگران همه شناسایی شده است، اما هر جا بدون شناسایی افزاینده آمده است، از صاحب این قلم است؛ و نکته آخر ویراستارانه اینکه مسلماً این اثر از کاستی و خطا خالی نیست. مسئولیت همه آن‌ها متوجه نگارنده است که بدین‌وسیله از قبل برای آن‌ها طلب بخشش کرده و بالاتر از آن از خوانندگان تقاضا می‌کنم به نگارنده یادآور شوند تا ان‌شاءالله در چاپ یا ویراست‌های آتی رفع و اصلاح شوند.

فرهنگ رجایی

اتاوا- کانادا، تابستان ۱۳۹۹